دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم شماره ۳۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۲۴-۹)

ابنیهٔ هند
(مرقّعی در معرّفی فضاهای شهری احمدآباد هند)

۱-محمود حسن‌آبادی

چکیده

پیوند دیرین میان ایران و هند و رواج زبان فارسی در هند بی‌نیاز از بحث است. آثار بسیاری به زبان فارسی در زمینه‌های مختلف در هند پدید آمده که امروزه به صورت نسخه‌ی خطی زینت‌بخش کتابخانه‌های مختلف جهان است و تصحیح و چاپ آنها ضرورتی است انکارناپذیر. از جمله‌ی این آثار، مرقّعی است منحصر بفرد موسوم به ابنیه‌ی هند، در چند برگ معدود در دانشگاه اوپسالای سوئد، در معرفی چهل و پنج بنای کهن در بناهای احمدآباد هند، بانیان و سال ساخت هر بنا. مؤلف و سال کتابت اثر نامعلوم است، امّا با توجه به قراین احتمالاً در سده‌ی ۱۳ هـ‌ق کتابت شده است.

روش تصحیح متن، روش قیاسی است و تلاش شده جز برای یکدست کردن ناهماهنگی‌ها یا تصحیح اشتباهی فاحش در جهت فهم درست متن، تغییری در آن ایجاد نشود. یقیناً این مرقّع مفصل‌تر از این بوده، امّا همین مقدار اندک باقیمانده، بویژه از حیث تاریخ، جغرافیا و شهرشناسی و نیز نشان دادن گستره‌ی نفوذ اسلام و زبان فارسی در آن سامان اهمیت دارد و جزئی از مواریث زبان و ادب پارسی است. ابنیه‌ی هند برخی ویژگی‌های خاص زبانی و ادبی دارد که از نظر بازنمایاندن فارسی رایج در هند، واژگان، دستور و سبک آن حائز اهمیّت است.

کلید واژه‌ها: ابنیه‌ی هند، احمدآباد، نسخه‌ی خطی، مسجد، عمارت

۱- مقدمه

ارتباط هند و زبان فارسی تا پیش از ورود انگلیسی‌ها و تسلط آنان بر هند بر کسی پوشیده نیست.

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان mahmoud.hassanabadi@liho.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۸

سلسله‌های مختلف شاهان هند زبان فارسی را به عنوان زبانی مهم در کنار زبان‌های بومی و محلی به کار می‌بردند و انتشار می‌دادند؛ حتی با جرأت می‌توان گفت اسلام از طریق زبان فارسی به هند رفته و گسترش یافته است. خاندان‌های شاهی مسلمان در هند، از اقصای شرق در بنگال تا جنوب و شرق هند، گر چه بعضاً ریشه‌ی ایرانی نداشتند، امّا جملگی مروجان و مشوقان زبان و ادبی فارسی بودند. تألیف کتب و آثار فراوان به زبان فارسی در شبه قاره از تواریخ و تراجم تا دیوان‌ها و فرهنگ‌ها و ... مؤید این نکته است. برخی از این آثار بخت خوشی یافته‌اند و تصحیح شده و منتشر گشته‌اند، امّا هنوز خیل بزرگی از آثار مختلف دانشمندان و ادیبان هندی به زبان فارسی وجود دارد که جزو مواریث ادب فارسی به شمار می‌آیند، امّا همچنان در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و عمومی هند و سایر نقاط در انتظار تصحیح و چاپ افسرده‌اند.

۱-۱- بیان مساله

از جمله آثاری که در هند به زبان پارسی تألیف شده، مرقّعی است منحصر بفرد، در چند برگ معدود در معرفی بناهای شهر احمدآباد، بانیان و سال ساخت هر بنا. می‌دانیم که جغرافی‌دانان، مورخان و سفرنامه نویسان گذشته، در معرفی شهرها، پس از ارزیابی کلی شهر و آب و هوای آن، به معرفی و ارزیابی فضاهای شهری از قبیل بازارها، کاخ‌ها، حمام‌ها، مساجد و سایر ابنیه و عمارات شهر می‌پرداختند و در این میان، گاهی به بانیان و موسسان و زمان ساخت آنها اشاره می‌کردند (توسلی، ۱۳۹۳: ۴۱ به بعد). هدف از نوشته شدن این مرقّع دانسته نیست، امّا دور نیست که این اثر در پاسخ به درخواست شاهی، امیری یا حاکمی و یا برای استفاده در اثری بزرگ‌تر در تاریخ، جغرافی یا سفرنامه و ... پدید آمده باشد. به هر روی آنچه در دست است، ده برگ است که در آن، چهل و پنج بنای کهن و تاریخی از ابنیه‌ی شهر احمدآباد هند معرفی شده است. یقیناً این مرقّع مفصل‌تر از این بوده، امّا شوربختانه تنها بخشی اندک از آن باقی مانده است. با این همه، همین اندک باقیمانده، از جهاتی بویژه از حیث تاریخ، جغرافیا و شهرشناسی احمدآباد حائز اهمیت است، ضمن اینکه گستره‌ی نفوذ اسلام و زبان فارسی را در آن سامان بازمی‌نمایاند. از این رو تصحیح آن ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱- اهداف و ضرورت انجام تحقیق

این مرقع سندی دست اول در زمینه‌ی موضوعش، بناها و فضاهای شهری احمدآباد هند به حساب می‌آید و ضمناً وجود آن گستره‌ی نفوذ زبان فارسی را در شبه قاره نشان می‌دهد، امّا تاکنون کسی در تصحیح و چاپ آن اهتمامی نورزیده است.

هدف جستار حاضر نخست تصحیح و چاپ این اثر ارجمند با روشی علمی است و سپس در حد مجال، تلاش شده، با هدف فهم و شناخت اثر، برای سؤال‌هایی در باب ویژگی‌های زبانی، تاریخی و جغرافیایی آن و نیز اصطلاحات به کار رفته در آن، پاسخ‌هایی درخور و در عین حال موجز یافته شود.

۳-۱- روش تصحیح و تحقیق

روش مصحح در تصحیح، قیاسی است و تا آنجا که متن مفهوم بوده، در آن تغییری روا نداشته‌ایم. برخی قسمت‌ها خوانا نبوده است؛ در این موارد اگر با حدس و گمان مشکل حل نشده، آن را به همان صورت و قرار دادن علامت سوالی در جلوی آن آورده‌ایم تا راه برای رفع ابهام از سوی دیگران باز بماند.

– برای بیشتر مفهوم شدن متن، در چند موضع، افتادگی‌های احتمالی را درون قلاب به متن افزودیم.

– املای برخی واژه‌ها را که به صورت هندی و بر اساس آواهای آن زبان بوده، به فارسی رایج امروز بازنویسی کرده‌ایم.

– قواعد امروز خط فارسی مطابق شیوه فرهنگستان از جمله جدانویسی را مرعی داشته‌ایم؛ چنانکه به جای «بانیش»، «بانی‌اش» ضبط کردیم و یا همزه (ء) انتهای واژه را در حالت اضافی به «ی» بدل کردیم مثلاً به جای «بناء»، همواره «بنای» آوردیم؛ یا در کلمات مختوم به «ه»، در حالت اضافی «ی» افزودیم مانند «سنه» به صورت «سنه‌ی» و ...

– اغلاط و اشتباهات املایی و زبانی نسخه را تا آنجا که به سبک متن آسیب نمی‌رسانده، تصحیح کرده‌ایم.

– نادرستی‌های تاریخی فاحش را در متن مرتفع کرده و در بخش توضیح‌ها، در باب هر یک، با مراجعه به متون تاریخی معتبر، به گونه‌ای مشروح‌تر بحث کرده‌ایم و نیز آن دسته از نکات زبانی و تاریخی را که به فهم بهتر متن کمک می‌کرده است، آورده‌ایم.

– شماره‌گذاری ابجدی بخش‌های هر برگ از سوی مصحح و با هدف ایضاح بیشتر صورت گرفته است.

روش مصحح در بخش توضیح‌ها، روشی توصیفی است و کوشیده است با رجوع به منابع جدید و قدیم معتبر، نادرستی‌ها و سهوها را اصلاح و مواضع نارسا و مبهم را توضیح دهد.

۴ -۱- پیشینهٔ تحقیق

احمدآباد بزرگ‌ترین شهر ایالت گجرات در غرب هند و پنجمین شهر پرجمعیت آن است. این شهر که بر کرانه‌ی رود سابرمتی جای گرفته، تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ مرکز گجرات بود، امّا پس از آن، شهر تازه‌تأسیس گاندی نگر جای آن را گرفت. با وجود این احمدآباد قلب فرهنگی و تجاری گجرات باقی ماند و هم اکنون از شهرهای مهم غرب هند است. احمدآباد در سال ۱۴۱۱م. (۸۱۳ق.) توسط

سلطان احمد شاه گجراتی (ح: ۱۴۱۱ –۱۴۴۲م./ ۸۱۳ق. – ۸۴۵ق.) از سلسله‌ی مظفریان گجرات تأسیس شد تا پایتخت سلطنت گجرات باشد و این شهر نام خود را از مؤسس آن گرفته است. در دوران استعمار بریتانیا اگر چه احمدآباد تحت سرپرستی مومبای (بمبئی پیشین) قرار گرفت، امّا همچنان شهر مهم منطقه‌ی گجرات بود. تحت حکومت بریتانیا، اردوگاه‌های نظامی متعددی تأسیس شد و زیرساخت‌های شهر مدرن شد و گسترش یافت. در جنبش استقلال هند در نیمه‌ی اوّل سده‌ی بیستم، احمدآباد در صف مقدّم قرار داشت و مرکز بسیاری از مبارزه‌ها و نافرمانی‌های مدنی برای احقاق حقوق کارگران، حقوق مدنی و استقلال سیاسی بود. در ۱۹۶۰ (۱۳۳۸ش)، با تشکیل ایالت گجرات و استقلال آن از بمبئی، احمدآباد مرکز تجاری گجرات شد و تاکنون بر این حال مانده است (برای اطلاعات بیشتر، رک: Bloom&Blair, 2009 و Michell&Shah, 2003).

آثار مرتبط با احمدآباد بیشتر از نوع تاریخی و سیاسی هستند یعنی یا به معرفی شاهان حاکم بر احمدآباد بویژه شاهان سلسله‌ی مظفریان و کارویژه‌های هر یک پرداخته‌اند مانند *مرآت احمدی* (۳۰–۱۹۲۸) یا آثار دست دومی که بیشتر به جغرافیا و اقلیم این شهر توجه داشته‌اند مانند Ahmadabad (2003)، Ahmedabad (2009) و البته لابلای هر دو دسته‌ی این آثار مطالبی پراکنده در باب مناطق و بناهای مختلف شهر به چشم می‌خورد؛ مصحح کوشیده است از این آثار در حد امکان بهره جوید و نام آنها را در بخش منابع آورده است، اما تا آنجا که مصحح می‌داند، تاکنون تنها اثر دست اولی که صرفا با هدف معرفی بناهای این شهر کهنسال، بانیان، سازندگان و زمان ساخت آنها به زبان فارسی تألیف شده، اثر حاضر است.

۲- معرفی دستنویس ابنیه‌ی هند

۱-۲- توصیف نسخه

در اثر حاضر فهرست وار چهل و پنج بنا از ابنیه‌ی احمدآباد هند، تاریخ بنا و سازنده‌ی آنها ذکر شده و در این میان توجه نویسنده بیشتر بر مساجد و مدارس بوده است. نام مرقع دانسته نیست (رک: توضیح‌ها، ش ۱) و نیز مؤلف و کاتب و سال کتابت نامعلوم است. خط اثر، نستعلیق و شکسته‌ی احتمالاً سده‌ی ۱۳ هـ‍ـق و جلد آن مقوای ضخیم عطف چرمی با روپوشی از پارچه‌ی سرخ است؛ مرقع حاوی ده برگ است به قطع ۱۹/۵× ۲۹/۳ سانت. هر برگ عبارت است از یک قطعه مقوا که روی آن را کاغذی سرخ رنگ پوشانده است. روی کاغذ سرخ جدول‌هایی به رنگ نقره‌ای و با تزئینات گل و بوته کشیده شده و هر برگ با جدول کشی، به شش قسمت تقسیم شده که هر قسمت

به معرفی یک بنا اختصاص یافته است. نوشته‌ها با مرکب سیاه است. در وسط هر برگ سرخ رنگ، کاغذی سفید به قطع ۱۰/۵×۷ سانت با خط کشی‌هایی به زر و سبز و سرخ و زرد و مشکی تعبیه شده است. این برگه‌ی کوچک سفید یکی از بخش‌های شش‌گانه‌ی هر برگ است که یک ساختمان در آن معرفی شده است. گاهی علاوه بر تاریخ بنا، یک بیت شعر نیز به عنوان ماده تاریخ آمده است.

کهن‌ترین بنای معرفی شده در مرقّع، قلعه‌ی احمدآباد است با تاریخ ۸۱۳هـ.ق (۱۴۱۱م) (ابنیه‌ی هند، بی‌تا: برگ ۱) و متأخرترین بنا، مسجدی است بیرون دهلی دروازه در احمدآباد با تاریخ ۱۱۸۶ هـ‌ق (۱۷۷۲/۳م) (همان، برگ ۱۰) و آن جدیدترین تاریخ مرقّع است.

آغاز نسخه: بناء اساس قلعه احمدآباد از سلطان احمد در سنه ۸۱۳ هجری ....

انجام نسخه: بخوان از سر عیش و نشاط آن تاریخ زهی اساس همایون محل عفو خدا؛ (رک: محدث، ۱۳۹۰: ۸-۲۷۷). این نسخه منحصر بفرد و متعلق به کتابخانه‌ی دانشگاه اوپسالای سوئد است و به شماره‌ی O Nov. 514 (Zn. 403) در آن کتابخانه نگه‌داری می‌شود.

۲-۲- ویژگی‌های نسخه‌شناختی مرقع

مهم‌ترین ویژگی رسم الخطی نسخه، ناهماهنگی و نایکدستی است، چنانکه:

- «ک» غالباً به جای «گ» (سنکین به جای سنگین (همان، برگ ۲)؛ دستکیر به جای دستگیر (همان، برگ ۶)) و گاهی به صورت امروزی مانند پیگره (همان، برگ ۷)؛ «پ» به صورت «پ» مانند پرکوته (همان، برگ ۷)؛ «چ»به صورت «چ»؛ «ژ» به صورت «ژ».

- یک جا واژه‌ی «کنبذ» را با ذال عجمی آورده (همان، برگ ۷)، امّا همین واژه را با دال نیز ضبط کرده است (همان، برگ ۹).

- در مورد تاریخ‌ها نیز عدم یکدستی و یکنواختی وجود دارد؛ چنانکه گاهی تاریخ‌ها را با عدد آورده (همان، برگ ۷) و گاه با حروف (همان، برگ ۱)؛ همین تاریخ‌های حرفی را گاهی جدا می‌نویسد مانند نه صد، (همان، برگ ۴)؛ و گاهی سر هم مانند نهصد و شش هجری (همان، برگ ۷).

- همواره «به» حرف اضافه پیوسته نوشته می‌شود؛ بخانپور، بچکله، بدهلی (همان، برگ ۳)؛ سر هم نویسی در بقیه‌ی نسخه هم وجه غالب است؛ از جمله در «را»ی مفعولی (همان، برگ ۲) و «ها»ی جمع (همان، برگ ۷).

- مطابقت صفت و موصوف به سیاق عربی مانند روضه‌ی شاهیه (ابنیه‌ی هند، بی‌تا: برگ ۷)، سلاطین گجراتیه (همان، برگ ۵)؛ و نیز آوردن مسند مؤنث برای مسند الیه مونث؛ مانند واقعه به جای واقع (همان،

برگ ۲) که در حقیقت ویژگی زبانی نثر فارسی‌نویسان هندی است و در دیگر کتب مانند *مرآت احمدی* هم می‌توان مشاهده کرد؛ گرچه نویسنده در این امر گاهی دچار اشتباه دستوری شده و نیز همه جا این شیوه را دنبال نکرده است. در همه‌ی موارد، آن را به سیاق فارسی امروز به صورت «واقع» نوشتیم.

– گاهی نیز به یکبار به عربی نویسی روی می‌آورد (همان، برگ ۱) و این عربی نویسی چندان درست نیست.

– برخی اغلاط املایی مانند «مضفر» (همان، برگ ۳) یا «موافق» (همان، برگ ۷) به جای «موفق»، «وکلائی او» (همان، برگ ۶) به جای «وکلای او»، و همچنین برخی اشتباهات تاریخی در متن راه یافته است که پس از تصحیح در متن، در بخش توضیحات، به آنها پرداخته‌ایم.

– گاهی به جای کسره‌ی اضافه، «هـ» آورده است، مانند بانیه (همان، برگ ۸)، بیرونه (همان، برگ ۶)، حفره (همان، برگ ۶)، موضعه (همان، برگ ۱۰) به جای بانیِ، بیرونِ، حفرِ، موضعِ؛ یا این ویژگی تحت تأثیر گفتار رخ نموده و یا شاید نویسنده، به زعم خود، از قاعده‌ی عربی مطابقت صفت و موصوف تبعیت کرده و به اشتباه رفته است.

– مانند غالب نسخ قدیم، در نوشتن حروف نقطه‌دار دقت چندانی اعمال نشده، مثلا سوال (همان، برگ ۲) به صورت شوال.

– کاربرد واژه‌های هندی مانند چکله (همان، برگ ۳)، بسوه و بیگه (همان، برگ ۶)، تانکه، چوکی، لکه و محمودی (همان، برگ ۷) (در بخش یادداشت‌ها معنی هر یک را آورده‌ایم) و گاهی واژه‌ها را با تلفظ محلی و عامیانه ثبت کرده مانند «مینار» (همان، برگ ۷) به جای «منار»، «وکلایی» (همان، برگ ۶) به جای «وکلای».

– در برخی از مواضع از الفبای خاص اردو– هندی بهره گرفته تا تلفظ هندی واژه را ثبت کند، (رک: توضیح‌ها، ش ۲) مانند: «ٹانکه» (ابنیه‌ی هند، بی‌تا: برگ ۷)، «بڈا» و «ایڈر» (همان، برگ ۳)، «پرکوٹه» (همان، برگ ۷)، «واڑه» (همان، برگ ۹)، «باڑی» (همان، برگ ۱۰).

۳– ابنیه‌ی هند

۱–۳– متن اثر

[برگ ۱] الف) بنای اساس قلعه‌ی احمدآباد از سلطان احمد در سنه‌ی ۸۱۳ هجری که در شهر ذیقعده به روز پنجشنبه مطابق هزار و چهارصد و چهل و نه سوت بکرماجیت (رک: توضیح‌ها، ش ۳) و در سنه‌ی ۸۲۰ حصار احمدآباد صورت اتمام یافت و سال مذکور از لفظ «با خیر» مستفاد می‌گردد؛

چون سلطان مظفّر رخت اقامت از این جهان بربست به تاریخ چهاردهم رمضان سنه‌ی ۸۱۳، سلطان احمد بن محمّد شاه بر تخت نشست (رک: توضیح‌ها، ش ۴).

ب) بنای مسجد اعلی یعنی جامع مسجد در سنه‌ی ۸۱۵ خمس و عشر و ثمانمأئه وقوع یافته و از لفظ «خیره» سال مذکور مستفاد می‌گردد و بانی‌اش سلطان احمد بانی احمدآباد است.

ج) روضه‌ی سلطان احمد که واقع است متّصل مسجد جامع.

د) مسجد و روضه که واقع است نزدیک گهی کانتهه شیخ معین الدین القریشی المخاطب من سلطان محمود ثانی محافظ خان فی الرابع عشر رجب قد فرغت تسعین و ثمانمأئه سنه‌ی ۸۹۰.

هـ) حظیره‌ی رانی‌های (رک: توضیح‌ها، ش ۵) سلطان احمد و فرزندان که واقع است در بازار مانک چوک (رک: توضیح‌ها، ش ۶) مقابل دروازه‌ی روضه‌ی سلطان احمد.

ز) بنای سراء یعنی مدرسه واقع متّصل دروازه‌ی قلعه اَرَک عرف بَهَدرَ (رک: توضیح‌ها، ش ۷) که حال قیدخانه قرار یافته، اعظم خان اودهی در سنه‌ی ۱۰۳۷ به اتمام رسانیده؛ تاریخ:

ز هاتف سال تاریخش چو جستم ندا آمد مکان خیر و احسان

[برگ ۲] الف) مسجد و مدرسه و برکه که واقع است بر راسته‌ی نزدیک مرزانپور، نواب شجاعت خان (وفات سنه‌ی ۱۱۱۳) در سنه‌ی ۱۱۰۹ بنا نموده با سنگ‌های قیمتی:

با تشنه لبان گفت چنین تاریخش کز یاد حسین آب شیرین نوشی

ب) روضه‌ی شاه وجیه الدین که واقع است در خانپور مقابل محل چاندسورج عالم‌گیر پادشاه بنا نموده، و مسجد و تانکه (رک: توضیح‌ها، ش ۸) نبیره حضرت موصوف سید حیدر بنا نموده وفات سنه‌ی ۹۹۸.

ج) مدرسه‌ی واقع متّصل مدرسه بنای [سراء] اعظم خان اودهی که حال آن را حادوین صاحب تعمیر کرده، مسکن خود مقرر کرده است، بانی آن سیف خان است

د) مسجد سنگین که واقع است در بهدر سلطان احمد بانی احمدآباد فی شهر شوال [یوم] رابع عشر، [سنه‌ی] سبع و ثمانمأئه بنا نموده، سنه‌ی ۸۰۷ هجری (رک: توضیح‌ها، ش ۹).

[برگ ۳] الف) مسجد سنگین که واقع است در چکله‌ی (رک: توضیح‌ها، ش ۱۰) دهلی دروازه، محمّد شاه ابن احمد شاه ابن شاه ابن مظفر السلطان عُمِّرَۀ عمارت عالیه فی التاریخ سنه‌ی ثلاثه و خمسین و ثمانمأئه (۸۵۳) من هجرۀ نبویه السادس من شهر رمضان المبارکه عظمت برکاته.

ب) مسجد و روضه‌ی پیر محمّد شاه که واقع است در چکله‌ی صدر جهان که مشهور به پانکور است متّصل تانکه‌ی مقبوضه‌ی ورثه‌ی حضرت بدا صاحب.

ج) مسجد سنگین که واقع است متّصل تانکه‌ی مقبوضه‌ی ورثه‌ی حضرت بدا صاحب مقابل پیر محمّد شاه در سنه‌ی عشر و تسعمأئه (۹۱۰) بنا نموده محمود شاه بن محمّد شاه بن احمد شاه بن محمّد شاه بن مظفر شاه.

د) مسجد سنگین که در راسته‌ی رسول پور مشهور به خانپور، سید عالم ابوبکر حسینی در عهد سلطنت ناصر الدین ابوالفتح سلطان احمد به غرّه‌ی رجب سال هشتصد و پانزده بنا نموده سنه‌ی ۸۱۵.

هـ) مسجد سنگین در راسته‌ی برهان الملک المشهور به چکله ایدر که به دهلی دروازه اشتهار دارد، سلطان قطب الدین بن غیاث الدنیا و الدین محمّد شاه بن سلطان احمد شاه بانی احمدآباد در عهد پدر خود به تاریخ ششم ماه رمضان در سال هشتصد و پنجاه و سه بنا نموده.

[برگ ۴] الف) مسجد سنگین و روضه که در پوره اسلوریه نزدیک دروازه‌ی شهر واقع است، رانی سپرا، زوجه‌ی [محمود بیکده]، پسر سلطان احمد [دوم، نواده‌ی سلطان احمد اوّل]، بانی احمدآباد، در سال هشتصد و سی و پنج بنا نموده (رک: توضیح‌ها، ش ۱۱).

ب) مسجد سنگین نزدیک دروازه‌ی خارو ملیک اشرف و ملیک خاتو المخاطب بفرحت الملک در عهد سلطان محمود ثالث ابن سلطان لطیف شاه ابن خلیل خان المرکب بسلطان مظفر حلیم از اولاد سلطان احمد در سال نهصد و چهل و پنج بنا نموده (رک: توضیح‌ها، ش ۱۲).

ج) مسجد سنگین که واقع است متّصل دروازه‌ی سلاح فروش که حال مشهور از نام متولی حضوری شاه است بانی آن [در] عهد مظفر شاه بن احمد شاه (رک: توضیح‌ها، ش ۱۳)، ملک شعبان پتنی جمادی الاوّل سنه‌ی ۹۷۷.

د) مسجد سنگین که واقع است در شاه‌پور، شیخ حسن محمّد چشتی در عهد سلطنت سلطان محمود شهید بن لطیف شاه بن مظفر حلیم از اولاد سلطان احمد در سنه‌ی نهصد و هفتاد [و] سه به مال خود راست ساخته.

[برگ ۵] الف) مسجد سنگین یک و نیم منار که در دولت خانه واقع است، شیخ محمّد غوث کوالیری در عهد سلطان محمود شهید در سال نهصد و هفتاد بنا نموده.

ب) مسجد سنگین بلندتر که واقع است در چکله‌ی اسلوریه مع سرا که حال آباد است، دستور خان نامی وزیر اعظم از وزرای سلاطین گجراتیه به زر خود راست ساخته.

ج) مسجد سنگین شکر خان وزیر شاهی که واقع است در چکله‌ی بهندیری پور نزدیک چکله‌ی کالوپور.
[برگ ۶] الف) مسجد سنگین بیرون دروازه‌ی شاه‌پور که به اچهوت کوکی اشتهار یافته، از ساخت ملیک بهاء الدین برادر ملیک سارنگ که اختیار الملک خطاب داشت، به کار برده‌اند در عهد سلطان محمّد شاه به تاریخ پنجم جمادی الاوّل سنه‌ی ۹۷۳ بنا نموده.
ب) باغ شاهی از حکم شاهزاده شاه جهان، وکلای او در زمین مقصودپور بر کناره‌ی سابرمتی با عمارت عالیه در یکصد و پنج بیگه و سه بسوه با یازده دهن چاه در سنه‌ی ۱۰۳۲ بنا نموده (رک: توضیح‌ها، ش ۱۴).
ج) تالاب کانکریه که حوض قطبی نیز گویند که سلطان قطب الدین، برادر علاتی (رک: توضیح‌ها، ش ۱۵) فتح خان که به سلطنت رسید و به سلطان پیگره ملقب گشت، به اراده‌ی دستگیر ساختن فتح خان، به حفر تالاب و ساختن باغ نگینه در سنه‌ی ۸۵۵ حکم فرموده، بنا نمود.
[برگ ۷] الف) در موضع سرکهیج گنبذ و خانقاه و مسجد و تالاب سلطان محمّد شاه بن سلطان احمد اساس آنها نهاده و قطب الدین پسرش به اتمام آن در سنه‌ی ۸۳۹ موفق گشته و در سنه‌ی ۸۵۵ این عمارت‌ها تیار شد.
ب) بیرون دروازه‌ی اسلوریه متّصل مقبره‌ی ابراهیم شهید، مسجد سنگین واقع است.
ج) گنبذ و چوکی‌های (رک: توضیح‌ها، ش ۱۶) روضه‌ی شاهیه، تاج خان، امیرِ محمود پیگره بنا نموده، و مسجد محمّد صالح و هر دو منار [آن] نجابت خان بنا نموده، و تانکه سلطان محمود شهید بنا نموده.
د) بیرون شهر بر راسته‌ی درگاه شاه عالم طرف غرب، مسجد سنگین شاه فتح الله واقع است.
هـ) بیرون دروازه‌ی خان جهان در پرکوته متّصل مقبره‌ی انگلیشان (؟)، مسجد سنگین واقع است.
و) باوُلی (رک: توضیح‌ها، ش۱۷) دادا هری بیرون دروازه‌ی کالوپور و مسجد و گنبد مسمات دادا هری موصوفه، در سال نهصد و شش هجری مطابق هزار و پانصد و شش بکرماجیت، به صرف سی لکه و بیست و نه هزار محمودی بنا نموده (رک: توضیح‌ها، ش ۱۸).
[برگ ۸] الف) مسجد سنگین که واقع است بیرون راجپور بی بی جی، در عهد احمد شاه بن محمّد شاه بن احمد شاه بن محمّد شاه بن مظفر، سلطان در سنه‌ی ۸۵۸ هجری بنا نموده.
ب) مسجد سنگین متّصل لعل دروازه که حال سرکار در ان بحیری معاماستدار (؟) مقرّر است.
ج) مسجد سنگین که در راسته‌ی رسول پور در علیم پوره بیرون حصار احمدآباد، وزیر الممالک ملیک عالم در عهد سلطان احمد بانی احمدآباد، به تاریخ نوزدهم محرّم در سال هشتصد و بیست [و] شش بنا نموده.

د) مسجد سنگین نزدیک شاهی باغ، ملیک مقصود وزیر الممالک در عهد محمود شاه، نبیره‌ی سلطان احمد در سنه‌ی هشتصد و هفتاد بنا نموده.

[برگ ۹] الف) مسجد سنگین و روضه که در عثمان‌پور واقع است، سلطان محمود بن محمّد شاه بن سلطان احمد جهت سید عثمان در سال هشتصد و شصت و پنج بنا نموده.

ب) در جمال پور در حبشی واره، مسجد سنگین واقع است بانی‌اش هیبت خان وزیر شاهی.

ج) مسجد بابا لولوی بیرون جمال پور.

د) گنبد کلان خشتی که واقع است نزدیک شاهی باغ، دریا خان وزیر الممالک، در عهد سلطنت سلطان محمود پیگره (رک: توضیح‌ها، ش ۱۹)، در سال هشتصد و پنجاه و هفت بنا نموده.

هـ) مسجد سنگین کوچک متّصل دهال(؟) کوچرپ.

و) عمارت مدرسه خشتی که واقع است در حدّ اسلوریه، محمّد اکرم بنا نموده در سال یکهزار و یکصد و دوازده من الهجرۀ المبارکۀ سنه‌ی ۱۱۱۲.

[برگ ۱۰] الف) مسجد و گنبد که واقع است در موضع ثبوۀ نبیره‌ی حضرت قطب الاعلم سید عبد الرحمن بنا نموده، روضه ناتمام ماند.

ب) بیرون دروازه‌ی جمال پور بر راسته‌ی شاه باری، روضه‌ی سنگین شاه ابوتراب که میر حاج شاهی بودند، واقع است.

ج) اماکن موسی سُهاگ (رک: توضیح‌ها، ش ۲۰) که واقع است بیرون دهلی دروازه، مسجدش در سنه‌ی ۱۱۸۶ بنا شده، «شده آراسته مکان نماز» ۱۱۸۶ (رک: توضیح‌ها، ش ۲۱).

د) روضه و مسجد که واقع است بر راسته‌ی جمال پور، مقابل حویلی سیدی سلیم، نواب سردار خان بنا نموده است و به موجب بیت تاریخش معلوم گردد؛ سنه‌ی ۱۰۹۰:

بخوان از سر عیش و نشاط آن تاریخ «زهی اساس همایون، محل عفو خدا»

۲-۳- توضیح‌ها

۱- در همراهی با علی محدّث، مؤلّف فهرست کتاب‌های خطی فارسی در کتابخانه‌ی دانشگاه اوپسالا، آن را «ابنیه‌ی هند» نامیدیم.

۲- اجمال بحث در باب زبان و الفبای پارسی در هند به زبانی تقریباً غیرتخصصی بدین قرار است که ویژگی‌های نظام آوایی و واجی هر زبانی با زبان دیگر متفاوت است. به این معنی که هر قومی

آواهایی خاص خود دارد و الفبای زبان آن قوم، قادر به نشان دادن آن آواهاست؛ امّا ورود خواسته یا ناخواسته‌ی زبان و الفبا (خط) از یک سرزمین به سرزمین دیگر و از یک قوم به قوم دیگر، به دلیل تفات‌های آواشناختی و واج شناختی، آغازگر برخی مسایل، مشکلات و سپس تغییرات و تحولات است؛ چنانکه وقتی خط عربی برای زبان فارسی استخدام شد، چون الفبای عربی قادر به نشان دادن همه‌ی آواهای زبان فارسی نبود، چهار نشانه/حرف پ، چ، ژ و گ، ابداع و پس از زمانی طولانی تثبیت شد؛ در مقابل برخی از نشانه/حرف‌های عربی همچون انواع س، ز و ت، معطل ماندند و نهایتا برای نشان دادن کلمات عربی دخیل در فارسی به کار رفتند.

در هند نیز چنین قضیه‌ای رخ داد. زبان فارسی با الفبای فارسی/ عربی برای مدتی مدید زبان دین، سیاست، ادب و هنر در شبه قاره به شمار می‌رفت. اما الفبای فارسی قادر به بازنمودن تمام جنبه‌های نظام آوایی هندیان و همه‌ی آواهایی که مردم آن سرزمین تولید می‌کردند، نبود. از این رو، هندیان چند نشانه ابداع کردند تا تمام آواهایشان را که مخصوصاً در کلمات هندی الاصل به کار می رفت، نشان دهند؛ طبعاً کار به همین سادگی نبوده است بویژه که واژه‌ها و اعلام هندی، با توجه به لهجه‌ها و گونه‌های متعدد رایج در هند، تلفظ‌های مختلف داشته‌اند؛ چنانکه دهلی به صورت دلّی، دلهی و دهلی، اله آباد به شکل الله باس، اله آباد و اللهآباد و علیگر به صورت اله آباد و علیگر، علیگره، علیگده تلفظ و ثبت می‌شده است. از این رو، تنور بحث در این زمینه از قدیم داغ بوده است (رک: آرزوی اکبر، ۱۹۹۱: ۴-۲۱۳؛ پناهی و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

به هر حال نشانه‌هایی که در آن روزگار برای نشان دادن آواهای هندی به خط فارسی ابداع شده، تا حدودی در الفبای امروزی اردو، یافت تواند شد؛ زبان اردو، از خانواده‌ی زبان‌های هندوآریایی و از لحاظ تبارشناسی به فارسی نسبتاً نزدیک است. الفبای اردو، بر بنیان الفبای پارسی و با افزودن چهار نشانه/حرف، نهاده شده است. این چهار حرف عبارت‌اند از: «ٹ» (ṭe) و «ڈ» (ḍāl) (ت و د برگشته که در تلفظ آن نوک زبان گرد می‌شود و به عقب برمی‌گردد)، «ڑ» (arre)، «ے» (badī ye). «ھ»ی دوچشم (do chaśmī he) نیز در اردو با فونتی دیگر نمایش داده می‌شود به صورت: ھ (رک: پناهی و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۴۱ به بعد).

۳- ویکرماجیت یا بیکرماجیت (ویکرمادیتیا = خورشید شجاعت) امپراتور افسانه‌ای هند در روزگار باستان بود. او به عنوان پادشاهی آرمانی، غالباً به خاطر بخشندگی، شجاعت و حمایت از طالبان علم شناخته می‌شود و در داستان‌های هندی بسیاری از او یاد می‌شود و حتی او را حاکم کل جهان می‌دانند.

برخی محققان در وجود او شک کرده‌اند و برخی ویکرمادیتیا را نام عام برای چندین پادشاه دانسته‌اند. پس از قرن نهم میلادی، یک دوره‌ی گاهشماری که سال صفر آن، سال ۵۷ قبل از میلاد بود و امروزه مشهور به ویکرما سموات (= دوره) است و نیز گاهشماری شکا (ساکا؛ شککال به گفته‌ی بیرونی) که سال صفرش، سال ۷۸ میلادی بود، با نام ویکرمادیتیا پیوند یافت. ابوریحان به این دو گاهشماری، در کنار چند شیوه‌ی گاهشماری دیگر مرسوم نزد هندوان و منطقه‌ی رواج هر یک و اینکه بکرمادت در بلاد جنوبی و غربی هند رواج دارد، اشاره کرده است؛ در مورد این شیوه‌های گاهشماری نیز روایات مختلف بسیاری وجود دارد. منشاء این تقویم ویکراما (ویکرامی) شمال هند است و هنوز در شمال، غرب و برخی نواحی مرکزی هند به‌کار می‌رود. مبداء تاریخ آن بنا به تقویم گریگوری مطابق با روز ۲۳ فوریه سال ۵۷ پیش از میلاد است. مبداء تاریخ تقویم ساکا از روی تقویم گریگوری مطابق است با روز ۳ مارس سال ۷۸ میلادی. این تقویم برمبنای سال خورشیدی است و با اعتدال بهاری یا ربیعی آغاز می‌شود. سال ۳۶۵ (در سال‌های کبیسه ۳۶۶) روز است که به ۱۲ ماه تقسیم می‌شود. پنج ماه اوّل ۳۱ روز و هفت ماه بعدی ۳۰ روز هستند (در سال کبیسه شش ماه اوّل ۳۱ روز و بقیه ۳۰ روز هستند). در سال ۱۹۵۷ تقویم ساکا به‌عنوان تقویم ملی هندوستان اعلام شد تا با تقویم گریگوری همزمان مورد استفاده قرار گیرد. امروزه این دو گاهشماری (ساکا و ویکرماجیت) همراه با تقویم مسیحی در هند به کار می روند، رک: بیرونی، ۱۳۷۷هـ ق/۱۹۵۸: ۳۴۵ به بعد؛ Sachau, 1910: 5-6؛ Daniehou, 2003: 135-6؛ Saha and Lahiri, 1992: 254-256.

۴- سلطان شهاب الدین احمد شاه متولد ۴-۷۹۳ و متوفی ۸۴۶ هـ‌ق.، پس از مرگ نیای خود، مظفر شاه، در ۴-۸۱۳ هـ‌ق. در پتن بر تخت شاهی گجرات نشست. برای اطلاعات بیشتر در باب احمدشاه، رک: *انوشه*، ۱۳۸۰، ج ۴، ذیل «احمد شاه یکم گجراتی»: ص ۱۳۰ به بعد، و نیز http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Text/22816/2/131:

۵- «رانی» مأخوذ از هندی؛ ملکه و زن راجه را گویند (نفیسی، ۱۳۵۵: ذیل رانی)؛ در اینجا ظاهراً به معنی همسر از آیین هندو است.

۶- چوک به معنی بازار و محلی است که در آن خرید و فروش کنند بویژه بازار مخصوص به لباس‌های مستعمل (نفیسی، ۱۳۵۵: ذیل چوک)؛ مانک چوک (Manak Chowk) منطقه‌ی اطراف قلعه‌ی بهدر بود که به فعالیت‌های اقتصادی اختصاص داشت. مقبره‌ی سلطان احمد اوّل، در مانک چوک مقابل مسجد جامع قرار دارد.

۷- قلعه‌ی بهدر (Bhadra Fort) قلعه‌ای است که احمد شاه اوّل در ۸۱۳ هـ‌ق. (۱۴۱۱ م) در درون حصار شهر احمدآباد بر کران شرقی رود سابرمتی بنا نمود. این قلعه که به نام قلعه ارک (Arak Fort) نیز نامیده می‌شود، دارای چندین دروازه، مسجد و قصرهای شاهی بوده است. بعدها، اعظم خان مشهور به اعظم خان سرایی از حکام مغول، شبستانی در قلعه تأسیس کرد که به عنوان مسافرخانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. انگلیسی‌ها در قرن نوزدهم از قلعه به عنوان زندان و بیمارستان استفاده می کردند. امروزه در سرای اعظم خان ادارات و دفاتر دولتی دایر است (رک:

'Alī Muḥammad Khān, 1928-30, Vol. 1, p. 45 ff.; Kuppuram, 1988: 739-40; Bloom & Blair, 2009: 37)

۸- «تانکه» به معنی تالاب، مخزن و آب انبار است؛ عبادتگاه‌های احمدآباد یا در کنار رود بنا شده‌اند یا در کنار هر یک، تالاب و مخزنی برای استحمام و طهارت تعبیه شده است که به آن کوند یا تانکه می‌گویند (رک: 'Alī Muḥammad Khān, 1928: 136).

۹- بنا بر کتیبه‌ی موجود در قسمت فوقانی محراب مرکزی، تاریخ تأسیس بنا از قرار معلوم روز چهارم شوال سال ۸۱۷ بوده است و همین تاریخ درست به نظر می رسد زیرا احمدشاه خود در ۸۱۳ هـ‌ق. به شاهی رسید (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴، ذیل «احمد شاه یکم گجراتی»: ص ۱۳۰ به بعد).

۱۰- چکله واژه‌ای است هندی به معنی چارسوق و بازار کوچک؛ همچنین ولایت و ناحیه که خود شامل چندین روستا می‌شود ('Alī Muḥammad Khān, 1928: 8, Footnote 2).

۱۱- رانی سپرا یا رانی سپری همسر محمود شاه اوّل بوده (۹۱۷-۸۶۳ هـ‌ق.) و محمود بیکده یا بایقرا (یا پیگره بر اساس این متن) پسر سلطان قطب الدین احمد شاه دوم (۸۶۳-۸۵۵ هـ‌ق.) پسر محمّد شاه دوم (۸۵۵-۸۴۶ هـ‌ق.) پسر احمد شاه اوّل (۸۴۶-۸۱۴ هـ‌ق.) بوده است (رک: لین پول، ۱۳۶۳: ۲۸۲).

۱۲- از قرار معلوم، محمود ثانی (ناصر خان) نه پسر لطیف خان، بلکه برادر وی و اسکندر بوده است؛ پسر لطیف خان، محمود ثالث (محمود شهید) بود که از سال ۹۴۴ هـ‌ق. تا ۹۶۱ هـ‌ق بر تخت سلطنت تکیه زده بود (رک: لین پول، همان: ۲۸۳).

۱۳- مقصود مظفّر شاه ثالث فرزند احمد شاه ثانی است؛ مظفر شاه ثالث از ۹۶۹ تا ۹۸۰ هـ‌ق. سلطان گجرات بود (رک: لین پول، همان: ۲۸۳).

۱۴- بیگه مقیاسی هندی معادل یک ثلث جریب (نفیسی، ۱۳۵۵: ذیل بیگه)؛ بسوه لفظی هندی است به معنی بیستم حصه‌ی هر چیز عموماً و به معنی بیستم حصه بیگه در پیمایش زمین زراعت خصوصاً (شاد، ۱۳۸۱: ذیل بسوه).

۱۵- برادر علاتی، دو برادر که از پدر یکسان و از مادر مختلف باشند؛ بنو العلات فرزندان مرد از مادران جداگانه (*نفیسی*، ۱۳۵۵: ذیل علاتی).

۱۶- چوکی، واژه‌ای هندی، به معنی نشیمنگاه مرتفع، سکو و کرسی (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل چوکی).

۱۷- باولی (Baoli) نوعی چاه است با دهانه‌ای بسیار بزرگ و پله‌هایی که تا سطح آب پایین می‌رود آنچنان که هر کس براحتی به آب دسترس می‌یابد. از روزگار قدیم هندوها و مسلمانان این گونه چاه‌ها را به عنوان نوعی خیرات برای مردم درست می‌ساختند. در احمدآباد شمار زیادی از این چاه‌ها وجود دارد و مهم ترین آنها همین باولی دادا هری است. بنا بر آنچه در ضمیمه‌ی *مرآت احمدی* آمده، بر کتیبه‌ی باولی دادا هری، سال ۹۶۰ هـ‍ق مطابق با ۱۵۵۶ بکرماجیت یعنی زمان سلطنت محمود ثانی به عنوان سال ساخت ذکر شده است (Alī Muḥammad Khān, 1928: 22)؛ حال آنکه در هـ‍ق. ۹۶۰، محمود ثالث سلطنت می‌کرده است. سال مذکور در این متن یعنی سال ۹۰۶ و زمان سلطنت محمود اوّل معقول‌تر به نظر می‌رسد.

۱۸- لکه عدد صد هزار؛ و محمودی قسمی از سیم مسکوک است (نفیسی، ۱۳۵۵: ذیل لکه و محمودی).

۱۹- بنا بر *مرآت احمدی*، دریا خان وزیر الممالک محمود ثانی بوده نه محمود بیکده (پیگره)، رک: Alī Muḥammad Khān, 1928-30, V.1: 77 ff.

۲۰- موسی سهاگ از صوفیان بزرگ از مکتب چشتیه که سلوکش چون عقلای مجانین بود؛ دستبندی زنانه بر دست می‌داشت و تصوفش را پنهان می‌کرد؛ کراماتی نیز به او منسوب است؛ مقبره‌ی او به سفارش حضرت شاه علم از همه مخفی نگاه داشته شد. امروزه چهار قبر در باغ شاهی هست، امّا کسی نمی‌داند کدام یک متعلق به اوست، رک: Alī Muḥammad Khān, 1928: 64-65.

۲۱- البته «شده آراسته مکان نماز» به حساب ابجد، معادل ۱۱۸۵ است.

۴- نتیجه

نسخه‌های خطی همواره از منابع دست اول در تحقیق و پایه و مایه‌ای برای تحقیقات بعدی هستند؛ از این رو، تصحیح آنها ضرورتی است انکار ناپذیر. ابنیه‌ی هند، نسخه‌ای است منحصر به فرد، کهنسال، ممتاز و موجز که از خلال آن، ضمن آشنا شدن با احمدآباد هند و پاره‌ای از تاریخ و

جغرافیای تاریخی آن شهر، اطلاعاتی شگرف از عمق و گستره‌ی نفوذ اسلام و زبان و ادبیات فارسی در آن سامان به دست می‌آید. فراوانی مساجد، فضاها و بناهای شهری وابسته به آن همچون تانکه‌ها و معرفی و شرح هر بنا، تاریخ ساخت و سازنده‌ی هر بنا به زبان فارسی مؤید مدعای بالاست.

گرچه اقتضای نوع ادبی ابنیه‌ی هند ایجاز بوده است، امّا، علاوه بر اطلاعات تاریخی و جغرافیایی آن که به لحاظ دست اول بودن و اتقان نسبی حائز اهمیت است، این اثر، در عین ایجاز، تصویری روشن از زبان فارسی معمول در هند و میزان فارسی‌دانی و سبک نثر فارسی نویسان هندی به دست می‌دهد؛ نثری آمیخته با لغات هندی با تلفظ هندی، گاهی همراه با بیتی در ماده تاریخ و در عین حال، ساده و بدور از پیچیدگی‌هایی که در برخی ادوار، شاخصه‌ی نثر فارسی داخل ایران بوده است. برخی اشتباه‌های مختصر تاریخی و نیز بعضی نادرستی‌های زبانی راه یافته به متن، آنچنان نیست که از اصالت و اهمیت اثر بکاهد و این اثر می‌تواند در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی و نیز در پژوهش‌های زبانی و ادبی، مبنایی برای تحقیقات آینده قرار گیرد.

۵- منابع

۱. آرزوی اکبرآبادی، سراج الدین علی، ***مثمر***، با مقدمه و تصحیح ریحانه خاتون، پاکستان، ۱۹۹۱.

۲. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، ***تحقیق ماللهند***، حیدرآباد دکن (هند): مطبعه مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۷۷ هـ‍ق/ ۱۹۵۸ م.

۳. انوری، حسن، ***فرهنگ بزرگ سخن***، چ دوم، ۷ جلد، تهران: انتشارت سخن، ۱۳۸۲.

۴. انوشه، حسن (سرپرست علمی)، ***دانشنامه‌ی ادب فارسی***، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

۵. —بی نام نویسنده، ***ابنیه‌ی هند***، نسخه‌ی خطی در کتابخانه‌ی کارولینای اوپسالا (سوئد)، به شماره‌ی O Nov. 514 (Zn. 403)، بی تاریخ.

۶. پناهی، ثریا و ابوالقاسم رادفر، «***پیشنهادی درباره‌ی ضبط فارسی اعلام شبه قاره***»، نامه‌ی فرهنگستان (ویژه‌نامه‌ی شبه قاره)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ش ۵، صص ۱۴۴-۱۳۵، ۱۳۹۴.

۷. توسلی، حمیدرضا، «***قواعد و ویژگی‌های معرفی شهرها در متون کهن***»، *باغ نظر (فصلنامه علمی پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر)*، ش ۲۸، سال یازدهم، صص ۴۶-۳۹، بهار ۱۳۹۳.

۸. دهخدا، علی اکبر، ***لغت نامه***، ۱۶ مجلد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۹. لین پول، استانلی، ***طبقات سلاطین اسلام***، ترجمه‌ی عباس اقبال، چ دوم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

۱۰. محدّث، علی، ***فهرست کتاب‌های خطی فارسی در کتابخانه‌ی دانشگاه اوپسالا***، اوپسالا (سوئد): انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۱۳۹۰.

۱۱. محمد پادشاه متخلص به شاد، ***فرهنگ آنندراج***، تصحیح سید محمد دبیر سیاقی، ۷ مجلد، چ سوم، تهران: خیام، ۱۳۸۱.

۱۲. نفیسی، علی اکبر، ***فرهنگ نفیسی***، ۵ جلد، تهران: کتابفروشی خیام، ۲۵۳۵/۱۳۵۵.

13. Ali Muhammad Khan, ***The Mirat-i Ahmadi Supplement***, trans. Syed Nawab Ali and Charles Norman Seddon, Baroda: Oriental Institute, 1928.
14. Ali Muhammad Khan, ***Mirat-i-Ahmadi; a history of Gujarat in Persian***, Edited by Syed Nawab Ali, Baroda: Oriental Institute, 2 Vol, 1928-30.
15. Bloom, Jonathan & Sheila Blair, "Ahmedabad", in ***The Grove encyclopedia of Islamic art and architecture***, Oxford: Oxford University Press, 2009.
16. Daniélou, Alain, ***A Brief History of India***, Inner Traditions/ Bear & Co, 2003.
17. Edward C. Sachau, Alberuni's India, Routledge/ Trench, Trübner & Co, 1910.
18. Kuppuram, G., ***India through the Ages: History, Art, Culture and Religion***, Delhi: Sundeep Prakashan, 1993, pp. 739–740, 1993.
19. Michell, G & S. Shah (eds.), ***Ahmadabad***, New Delhi (India), 2003.
20. Saha, M.H. & Lahiri, N.C., ***History of the Calendar in Different Countries through the Ages***, New Delhi (India): Council of Scientific and Industrial Research, 1992.